

نمادشناسی حوض در حوزه اخلاق معماری ایرانی اسلامی

علیرضا باوندیان*

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۶/۱۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۲/۱۹)

چکیده

معماری در فرهنگ‌های دینی و سنتی، همواره مفاهیم باطنی خود را در قالب نماد ارائه داده است؛ زیرا اعتقاد بر این بوده است که حقایقی در جهان وجود دارد، که با زبان متعارف نمی‌توان آنها را بیان داشت. در واقع زبان عبارت، قاصر از تبیین حقایق و حیانی و معنوی است و زبان اشارت را، باید در این وادی به کار بست. نماد، ابزاری است برای ابراز مفهومی که از حیطه حواس ما غایب است. بیان نمادین، به معنی ایجاد زمینه‌ای ادراکی برای انتقال برخی مفاهیم خاص است. در سنت معماری ایران، از حوض برای تقلیل گرما، تلطیف فضا، انجام وضو، ذخیره سازی آب و آبیاری بهره گرفته می‌شد. در حیات‌های گسترده، نوعاً حوض را در مقابل اتاق ارسی یا پنجدری ایجاد می‌کردند. در بیشتر مواقع بر آن بودند تا حوض را در یکی از محورهای عمده فضای خانه چنان بسازند تا طول حوض در مسیر طول خانه باشد. حوض، افزون بر این، ظرفیتی برای انعکاس زیبایی‌های خود ساخته و مصنوع پیرامون بود. برغم این همه، کارکردی نمادین هم داشت. این مقاله که به روش مطالعات توصیفی تحلیلی به رشته نگارش درآمده، در اندیشه تبیین وجوه دیگر حوض و نمایاندن خصایص مکتوم آن در معماری سنتی ایران است.

واژه‌های کلیدی

معماری سنتی ایران، حوض، اخلاق، آب، نماد.

*تلفن: ۰۰۵۱-۴۳۳۰۵۰۰۰، نمابر: ۰۰۵۱-۴۳۳۰۵۲۳۴، E-mail: bavandian@yahoo.com

مقدمه

حُسن بهره‌وری از آب بوده است. حوض، انعکاس زیباشناختی خاصی به بناهای ایرانی بخشیده است. گویی نهرهایی که از میان کوشک‌ها و باغ‌ها می‌گذرند، انشعابی از جویبارهای مینوی هستند که خستگان را در گرم‌ترین و خشک‌ترین روزهای سال، صفایی تازه می‌دهند؛ حوض در معماری ایرانی، کاربری‌هایی همچون پادیاب در مهرابه‌ها، مخزن آب آشامیدنی و یا شستشو، جایگاه وضو و غسل، نگهداری و تقسیم آب در باغ‌ها برای آبیاری، سامانه سرمایش در تابستان، سامانه رطوبت‌ساز در مناطق گرم و خشک، و نقش تزئینی داشته است.

با پذیرش شتاب زده شاخص‌های ارزشی مدرنیته و تقلیدهای خام‌دستانه از آورده‌های معماری سبک بین‌المللی، نقش حوض - به مثابه قلب بناهای ایرانی - به فراموشی سپارده شد. از این پس، نه تنها حرمت آب - به عنوان موهبتی بی‌نظیر - از یادها رفت، بلکه ابعاد زیباشناختی و رمزآلوده آن نیز در نظر گرفته نشد. هرچه معماری به جلو و جلوتر آمد، دستاوردهای ارزشمند نیاکانی و هویتی هم نادیده گرفته شد. البته بارها شنیده شده که معماری ما به دلایل مختلف، در معاصر سازی تجربه‌های پیشینیان قاصر و ناتوان است و به نظر می‌رسد علت این مساله، به نگاه صرفاً مصرفی ما باز می‌گردد؛ که معماری را تنها در حد برآورده‌سازی نیازهای متعارف (و نه متعالی) باشندگان و ساکنان می‌بیند. این تحقیق در پی آن است تا از برخی وجوه ناپیدای حوض در معماری سنتی ایران رمزگشایی کرده و ظرفیت بیانی آن را به قضاوت اهل نظر بسپارد.

ارزش‌های وجودی آب در ایران، تنها به جمع‌آوری و هدایت، حفظ و ذخیره‌سازی، تقلیل‌دهنده شرایط نامناسب اقلیمی و ارتقاءدهنده وجوه زیبایی‌شناختی بنا، مربوط و معطوف نمی‌شود، بلکه به درونی‌ترین بخش طبیعت نیز باز می‌گردد. این محرک، آدمی را به سوی فهم خصایص فیزیکی و ذهنی آب سوق می‌دهد تا دستمایه طراحی حوض‌ها، آب‌نماها، فواره‌ها و ... شود. برای ارتقای وجه کیفی نمایش آب، باید به عوامل تأثیرگذار در خلق این ویژگی‌ها (نظیر فرم، رنگ و بافت‌ظرف‌دربگیرنده آن) توجه کرد. چگونگی تماس با آب، دریافت معانی خاص آن و توجه به نتایج روانی برآمده از این تماس، همیشه در نظام معماری و شهرسازی ایران دوران اسلامی، جایگاه خاصی داشته است. آب در فرهنگ معماری ایران، هیچگاه به شکل اتفاقی گسسته باقی نمی‌ماند و در انحصار زمان یا مکان مشخصی نیست و به مثابه عنصری ساده در طبیعت تجلی می‌یابد؛ لکن در عین این سادگی، سرشار از پیچیدگی‌هایی است که بعضاً اهل معنی به حکمت آن راه می‌یابند. این پیچیدگی‌ها، معطوف به دامنه تأثیرگذاری فراوان آب است.

نقش برانگیزانندگی آب، محمل توجه مضاعف به آن - به مثابه ابزاری گران برای ابرازهای ناب معنایی و طراحی محیط - می‌شد. زیرا آب در خود صفتی بیش از صفات جسمانی دارد و نمودگار سیالیت روح است. اتصاف چنین صفتی به آب، ای بسا مرهون مفاهیمی چون «احیاءگری» آن باشد. ایجاد گونه‌های متنوع حوض، نماد تکاپوهای معنایی و زیباشناختی ایرانیان برای

پیشینه تحقیق

در سفرنامه صفاء السلطنه نایینی (تحفة الفقراء) که توسط علی بن محمد مشتاقی نائینی نوشته شده، اطلاعات سودمندی از حوض، راه و رباط ارائه شده است. در کمتر کتابی با این حجم کم، می‌توان مشخصات این همه بنا، رباط، حوض و آب‌انبار و اطلاعات تاریخی و جغرافیایی دیگر را (یکجا) مشاهده کرد. زان شاردن^۱ نیز در سفرنامه خود، به حوض و جلوه‌های مختلف آن در معماری ایران اشارت‌هایی دارد. در کتاب سرگذشت تهران که توسط حسین شهیدی مازندرانی (۱۳۸۳) منتشر شد، اطلاعات ارزشمندی در خصوص حوض ارائه می‌شود. نویسنده در فرازی از این کتاب می‌نویسد:

"گوشه‌ای متصل به دیوار موزه کاخ گلستان قرار دارد. این عمارت، بنایی است شامل یک ایوان سه‌دهنه سرپوشیده و ستون‌دار که در میان آن، حوض جوشی ساخته شده و آب قنات شاه از میان آن بیرون می‌رود و در باغ‌های سلطنتی جریان پیدا می‌کند" (شهیدی مازندرانی، ۱۳۸۳، ۷۲).

تأثیر شکل حوض بر کیفیت آب حوض در معماری سنتی ایران، عنوان مقاله ای است که در نشریه معمار (شماره ۶۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹، ۱۲۲) توسط روح‌الله معمارزاده به چاپ رسید. نویسنده در این مقاله، به اصرار و تأکید معماران ایران در طراحی‌های حوض و نقش این طراحی در قرائت بصری کیفیت آب، می‌پردازد. محمد کریم پیرنیا (۱۳۷۳) هم در کتاب آشنایی با معماری اسلامی ایران، درباره شکل حوض در معماری سنتی ایران می‌نویسد:

"در جلو کوشک اصلی باغ‌ها، معمولاً یک استخر به شکل مربع یا مستطیل وجود داشته است. استخرهای گرد، پیش از اسلام و اوایل اسلام معمول بوده، ولی بعدها به کار نمی‌رفته است. حوض بیضی شکل را هیچ وقت نمی‌ساختند و اعتقاد بر این بوده که آب در حوض بیضی زودتر گندیده می‌شود. بعدها این حوض‌ها، یک شکل هندسی منظم و ساده از شش ضلعی تا دوازده ضلعی به خود گرفته است."

حوض کوچک مربعی است. گویند سلمان فارسی در آن بدن شسته است و حوض از آب چشمه سرشار می‌شود و میانه قدمگاه و کوه پنجاه قدم و چشمه در دامنه آن کوه مرتفع واقع است" (سدید السلطنه، ۱۳۶۲، ۲۰۹).

افزون بر این، محمدنصیر بن جعفر فرصت شیرازی، در کتاب آثار عجم خود که در سال ۱۳۷۷ چاپ شد، به حوض و جایگاه آن در بناها و شهرهای ایران اشارت‌هایی دارد.

حبیب زمانی و قنبر علی رودگر در مقاله‌ای با عنوان: تجارت خارجی ماوراء النهر در دوره سامانیان می‌نویسند:

"در هر کاروانسرای، دیوار و برج و باروی مخصوصی برای محافظت و دفاع از مسافران و کالاهای تعبیه شده بود. کاروانسرا دارای یک یا چندین در بود، و همه آنها را هنگام شب می‌بستند، ولی مراقبان همینکه کاروانی می‌رسید در را می‌گشودند. در داخل کاروانسرا حیاط وسیع و مشجری بود و معمولاً حوض آبی داشت" (زمانی و رودگر، ۱۳۹۴، ۸۲).

ایرج افشارهم در کتاب دفترتاریخ و نورالدین محمد جهانگیر گورکانی در کتاب جهانگیرنامه، به حوض در معماری ایران می‌پردازند. جورج ناتانیل کرزن^۶، در کتاب ایران و قضیه ایران و محمد تقی مصطفوی در کتاب اقلیم پارس، به حوض و حوض‌سازی در ایران اشارت می‌کنند.

جایگاه آب در ایران باستان

همیشه تمدن در مجاورت آب به سر برده است؛ تا آنجا که می‌توان گفت: "آبی که امروزه در دست ماست، محصول جریان چند هزارساله تاریخ و تمدن بشر است. در این میان، باورهای ایرانیان در مواجهه با آب، جلوه‌های کامل تری را تولید کرده است" (منصوری، ۱۳۸۸، ۳). ایرانیان همیشه کوشیده‌اند تا آب را در بهترین گونه ممکن به تماشا بنشینند و به نمایش بگذارند. نقش آفرینی آب در زندگی ایشان، چندان بااهمیت بود که گرمای‌ترین بناهای خود - نیایشگاه‌ها - را، در همسایگی آب می‌ساختند و آب را به درون بناها و شهرهای خود با تنوع و احترام هرچه تمام‌تر دعوت می‌کردند.

«در جهان کمتر مردمی را می‌توان پیدا کرد که به اندازه ایرانیان کویرآشنا، قدر آب را ارج نهاده باشند. برای ایشان، آب در کنار باد و آتش و خاک به قدری مقدس می‌نمود که برای پاک نگه داشتن آب روان، بستن پل بر روی جوی‌ها از جمله کارهای نیک به شمار می‌رفته است تا رهگذران مجبور به عبور از میان آب نباشد و آن را نیالاید. آنها از دیرباز هر جا خرمی و سرسبزی می‌دیدند، نامش را آبادی می‌گذاشتند و در سنتی کهن، سبزه نوروز را با بدرقه‌ای از آرزوهای پاک به آب می‌سپردند؛ گویی موجودی ذی شعور است. به آب دل می‌بستند، همچنان که هنوز آب، رودخانه و جنگل منظر برگزیده گشت‌ها و عکس‌های یادگاری است» (عینی، ۱۳۹۱، ۱۲۳). آب عنصری همیشه حاضر در گستره‌ی امثال و حکم است.^۷ چه بسیار کاخ‌ها و بناهای حکومتی که آب، آن را شکوهی دیگرگونه بخشیده است. کاوش‌های باستان‌شناسی، نمونه‌های

سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) به روسیه که به وسیله محمد هادی علوی شیرازی در سال ۱۳۶۳ ویراسته و تنظیم و به وسیله انتشارات دنیای کتاب چاپ شد هم، به عنصر حوض اشارت‌هایی دارد. کتاب طهران قدیم نوشته جعفر شهری باف، که در سال ۱۳۸۳ منتشر گردید (و می‌توان گفت مرجعی برای تهران‌شناسی محسوب می‌شود)، به نقش حوض در معماری تهران قدیم نیز پرداخته است.

ژان باتیست تاورنیه^۸، جهانگرد فرانسوی قرن هفدهم میلادی هم در سفرنامه خود، به حوض و استفاده‌های آن در ایران عهد خود می‌پردازد. تاورنیه جمعاً نه بار به ایران آمد و بخش عمده‌ای از سفرنامه او، به روایت دیدارش از اصفهان و معماری آن اختصاص یافته است. در کتاب مرآة الحرمین نوشته ابراهیم رفعت پاشا در صفحه ۳۳۷ آمده است:

"در کنار جبل الرحمة^۹؛ هشت حوض وجود دارد، که با استحکام خاصی ساخته شده و آب آن از آبراه زبیده تامین می‌گردد. این حوض‌ها تنها در موسم حج از آب پر می‌شود و همواره قبل از رسیدن موسم حج، ترمیم و تمیز می‌گردد.^{۱۰} همچنین غلامحسین افضل الملک (ه.ق. ۱۳۴۸-ق. ۱۲۷۹) نامور به "ادیب یا ادیب کرمانی"، گذشته‌نگار و سفرنامه‌نویس دوره قاجار - که افزون بر نگارش در سرایش هم دستی داشته - در سفرنامه خراسان و کرمان خویش، می‌نویسد:

"از آثار غریبه قدیمه اطراف دامغان، ابنیه خرابی است که در بالای (گردکوه) است. گردکوه از کوه‌های معروف است و جزء البرز کوه تهران است. در بالای این کوه، خانه‌های غریبه ساخته‌اند که به ابنیه این زمان شباهت ندارد. آثار آن هنوز بالای کوه موجود است. نه حوض آب در بالای این کوه ساخته‌اند که حوض‌ها اکنون بر سرپا است. این همه آفتاب که بر آن حیاض تابیده، هنوز آهک و ساروج آن ریخته نشده است" (افضل الملک، ۱۳۶۲، ۲۹). محمد حسن بن علی (اعتماد السلطنه) هم در مرآة البلدان خود، به حوض اشارت‌هایی دارد. این کتاب، به زبان فارسی نگاشته شده است. نگارنده که از رجال علمی - سیاسی عهد ناصری است، به شرح شهرها و قری و قصبات ایران زمین؛ یعنی ایران بزرگ (که گستره آن از رود سیحون تا ماوراء فرات و از دربند باب الابواب در شمال دریای خزر تا جزایر و سواحل خلیج فارس را در برمی‌گیرد)، می‌پردازد از جمله اینکه:

"در بیرون دروازه طوقچی اصفهان، خیابانی است معروف به چهارباغ که نادراً درخت در این خیابان دیده می‌شود. در وسط خیابان، حوضی است و در یک طرف خیابان محاذی این حوض سردر باغ معروف به باغ قوشخانه است که از چندگاه قبل الی الان، حکام دارالسلطنه اصفهان هر وقت از جانب اقدس همایون شاهنشاهی به خلعتی نائل و سرافراز می‌شوند، آن خلعت را با تشریفات معموله در باغ قوشخانه زیب پیکر اعتبار خود می‌سازند" (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ۱۱۶).

محمد علی سدید السلطنه هم در کتاب سفرنامه خود، به حوض و حوض‌سازی در ایران می‌پردازد و می‌نویسد: "قدمگاه عبارت از اطاق وسیعی است و برابر دروازه حجره

و واکنش آب و مهم‌تر از همه، نقشی که در ارتقای زیست بوم معنوی ما دارد، از جمله ارزش‌هایی است که آب با خود به همراه دارد. آب به همراه خاک، آتش و هوا، عناصر چهارگانه‌ی تشکیل‌دهنده‌ی جهان هستی است. آب یکی از عناصر طبیعی به شمار می‌رود که ماهیتی تغییرناپذیر دارد. هر جا که ظاهر می‌شود، کاربرد آن باید منعکس‌کننده‌ی تلقی طراحان و سازندگان از طبیعت باشد.

دسترسی به منابع آب از دیرباز، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در مکان‌یابی شهری بوده است. بررسی کلی جغرافیایی شهرهای ایران، به خوبی وابستگی میان زندگی شهری و دسترسی به منابع آب را نشان می‌دهد. فلات ایران به دلیل تنوع اقلیمی و چشم‌انداز محیط طبیعی، در همه جا از منابع آب سطحی مطمئن برخوردار نیست. آب‌های سطحی زمین، چون دریا و رودخانه و دریاچه، در نوع خاص معماری نقش دارد و در بسیاری از مناطق که از این منابع سطحی به دور هستند و نیاز مردم از راه منابع زیرزمینی، چون قنات و چاه‌ها حاصل می‌شود، گونه‌های معماری خاصی به وجود می‌آید. می‌توان گفت که دسترسی به آب، از جمله ساز و کارهایی بوده است که نوع معماری را در نقاط مختلف زمین تعیین کرده است.

آب، به عنوان یکی از اساسی‌ترین عناصر طبیعی، در شکل‌گیری و کمال معماری ایران، از روزگارهای کهن، ایفاگر نقش ارزشمندی بوده است. آب از آن روی که قابلیت سیالیت و فضاسازی دارد، همواره در تبدیل "جا" به "مکان" موثر بوده است؛ یعنی با خاطره‌های انسانی ارتباطی وسیع و وثیق برقرار ساخته است. به عبارت دیگر، اگر معماری و آب با دقت و به شیوه‌های خلاق در هم آمیزند، نیروی نهفته‌ای از این آمیزه متولد می‌شود، که وصف ناشدنی و نامحدود است.

آب در شکل‌های هندسی، در اکثر بناها متجلی می‌شود و گاه به نوعی، مسئول ایجاد مرکزیت وحدت در معماری بوده است. مساجد، به عنوان محل تأمل و عبادت، در کنار عنصر حیات بخش آب پدیدار شده‌اند، چرا که بدون آب، امکان ساخت و بهره‌گیری از آنها وجود نداشته است. اصلاً احداث برخی از بناها بدون حضور آب معنی ندارد؛ مانند وجود آب در مسجد. معماران در همه دوران تاریخی، آب را به مجموعه‌های خود فرا می‌خواندند و گنجینه‌ای از خصوصیات فیزیکی، مذهبی و اسطوره‌ای را به خدمت می‌گرفتند تا معماری آنان از غنای بیشتری برخوردار باشد. از جمله تکاپوهای مستمر انسان، استفاده بهینه از آب در ارتقای ارزش‌های بصری و معنایی پیرامون خود بوده است؛ خاصه اینکه آن را مغتنم و محترم نیز بدانند.

آب؛ پس از طلوع اسلام در این سرزمین، حرمت خود را به نحو بیشتری حفظ کرد. به خصوص با رواج تشیع و عمومیت یافتن عزاداری و نوحه خوانی و تکریم مقام و منزلت اولیای دین و تکرار مداوم وقایع کربلا و تأکید بر موضوع ممانعت آب از خاندان امامت. در ایران، همیشه نوشیدن آب، رایگان، و آب‌رسانی، امری مغتنم بوده است.^{۱۰} آب همچنین به گونه‌های متفاوت در کوچه و بازار شهر، عامل اعلام مسائل مهم تاریخی و فرهنگی

بسیاری از وجود حوض و کاربری‌های متنوع آن را در معماری ایرانی نشان می‌دهد؛ برای مثال حضور حوض در خانه‌های یافت شده در «تپه یحیی» در کرمان، متعلق به هزاره پنجم پیش از میلاد، در این شمار است. این نمونه‌ها نشان می‌دهد، نگرش ایرانیان از دیرباز نسبت به آب مقدس بوده است. «آب در فرهنگ ایران، از جمله چهارعنصر تشکیل‌دهنده‌ی این جهان است (طوسی، ۱۳۸۲، ۳۷)». «آب در آیین زرتشت، مقدس است و ایرانیان تا قبل از ورود اسلام، حسب کیش خود، حرمت آن را پاس می‌داشتند. در فرهنگ‌های اساطیری ایران، آب مایه جاودانگی یا رویین تنی آدمی می‌شود.^۸ در زمان ساسانیان، فرمانروایان محل خاصی را برمی‌گزیدند تا اعتقادات مذهبی و شرح پیروزی‌های خود را بر روی سنگ‌های عظیم نقش کنند. در هریک از این محل‌ها، آبیگری را که از چشمه سرازیر می‌شد، در پای بدنه سنگ ایجاد می‌کردند.^۹» در ایران پیش از اسلام، باغ‌های چهارگوشه‌ای که حول مرکزی درونی شکل می‌گرفتند، از قداست برخوردار بودند (بورکهارت، ۱۳۷۶، ۷۹). «این باغ‌های رازورانه، از برجسته‌ترین نمودهای هنر و معماری سنتی پیش از اسلام هستند. در همه‌ی این نمونه‌های ارزنده هنری و معماری، آب نقش خاصی را ایفا می‌کند.

حکمت ارزشی آب در فرهنگ و معماری ایران دوران اسلامی

بنابر اعتقاد برخی از محققان، «آب، حتی بیش از نور آفتاب در پیدایش زندگی و پیشرفت آن تأثیر داشته است» (نوعی و ساجع، ۱۳۸۸، ۲۰۶). نقش آب در شکل‌گیری نخستین زیستگاه‌های انسانی، در ابتدا پاسخ به نیاز زیستی است؛ اما زمانی که از نیازهای زیستی فراتر می‌رود و رویکردهای زیباشناختی و نمادین به خود می‌گیرد، از جایگاه فرهنگی هنری خاصی برخوردار می‌شود. «معانی نمادین آب را می‌توان در سه مضمون اصلی خلاصه کرد: چشمه حیات، وسیله نیل به صفای باطن و مرکز زندگی دوباره» (سامانیان و دیگران، ۱۳۹۱، ۴۴).

لازمه ظهور تمدن، استقرار انسان و لازمه استقرار انسان، آب است. «آب، تمدن را ممکن می‌سازد. از این رو، تمام تمدن‌های اولیه، وقف تأمین آب می‌شد» (خوانساری و دیگران، ۱۳۸۳، ۲۵). انسان به آب، به دیده والامنزلیت نگریسته است. «در روزگار قدیم، اشیای معینی در طبیعت برای مردم مقدس بود که از این میان، آب از تمامی عناصر مقدس تر بود» (گلیارانی، ۱۳۸۹، ۱۰۰). اهمیت آب به قدری است که «برخلاف اندیشه‌های عموم، در میان انواع وحشت‌ها، آتش بزرگ‌ترین مصیبت نیست، بلکه تخریب و انهدامی که در پی طغیان آب می‌آید، از همه مهیب‌تر است» (مور، ۱۳۸۱). سکون، حرکت، رطوبت، بافت‌های متعدد، انعکاس و اشکال مختلف، همه و همه در کنار عناصر دیگری مانند نور می‌تواند بستر آفرینش جلوه‌هایی نوآمد در هویت بخشی به مناظر خانه و شهر باشد، لذا باید از زوایای مفهومی تازه‌ای آب را درک کرد. درک مفهوم آب در معماری، همان درک معماری آب است. درک قوانین رفتار آب، احساسات ما در مقابل کنش

فرهنگ ایرانی اسلامی به شمار می‌رود و سرو، نماد آن است. سرو خود به آب نیازمند است.

بیا بشنو که خوش خوش ماجرای است

میان آب و سرو جویباری (ابن الرسول، ۱۳۸۷، ۲۹۶)

به طور کلی ایجاد آب انبار و سقاخانه در مناطق خشک و یا کم آب، همیشه در شمار خریدن نعمات بهشت شناخته می‌شود. بهشتی که - حسب آیات متعدد قرآنی - با آب قرین است.^{۱۶} به عبارت دیگر، "همه فعالیت‌هایی که به مساله آب مربوط می‌شود، به نام حضرت ابوالفضل صورت می‌گیرد. سقاخانه‌ها اغلب کتیبه‌هایی دارند که بر آن، ایاتی در تذکر خاطره شهادت آن حضرت است" (پارسا، ۱۳۹۴، ۵۸).

"در روستای قهستان (سیدجان)، برای کسی که خاکروبه در آب قنات بریزد، عاقبت شومی پیش بینی می‌شود. در سمنان، اساس شکل‌گیری محلات پنج‌گانه، بر استخرهایی است که در بیرون شهر، کار آبرسانی به محلات را بر عهده دارند. برای مراقبت از آبی که وارد این استخرها می‌شود، عده‌ای نیز مشغول به کار هستند؛ حتی از ورود سنگریزه‌ای به داخل آب‌های آن استخرها، شدیداً جلوگیری می‌کنند" (همان، ۵۷). وقف همچنین با آب و آبیاری، پیوند نزدیکی داشته است. به عنوان مثال "در بسیاری از مساجد ایران، رشته آب قناتی مخصوص آنها حفر شده و مسیر آب حوض میانه آنها را اشباع می‌کند. عبور این آب پس از حوض، به محلات و باغ‌های اطراف آن است؛ این آبها، برای پرشدن آب انبار محلات و مزارع می‌باشد. بانیان این گونه آب‌ها، معمولاً عواید حاصل از آبیاری مزارعی که به واسطه این آب‌ها انجام می‌شود را، وقف مسجد می‌کنند" (همان). "آب در باغ‌های ایران، تنها به منظور آبیاری و یا حظ بصری نبوده و نوعی وحدت و یگانگی را علاوه بر تلطیف محیط و استمرار زندگی متذکر می‌شده است" (بیرنیا، ۱۳۷۳، ۴). جریانیتی که موجب الحاق بصری فضایی عناصر مختلف می‌گردید.

حوض در باغ‌ها و خانه‌های ایرانیان، از اهمیت و ارزش والا و بالایی برخوردار است. مثلاً "حوض، در مقام آینه‌ی لایتنه‌ی است؛ زیرا آینه ذاتاً لایتنه‌ی است" (گلپارانی، ۱۳۸۹، ۹۹). "در خانه‌های سنتی ایران، حوض برای کاستن گرما و تامین رطوبت هوا، وضو ساختن، شستشو و ذخیره آب و آبیاری ساخته می‌شد. در حیاط‌های بزرگ، معمولاً حوض‌ها جلوی اتاق آرسی یا پنجدری بود. غالباً حوض را در یکی از محورهای اصلی فضای خانه می‌ساختند، به طوری که طول حوض در امتداد طول خانه قرار گیرد. در یزد، بر سر راه بادهایی که از طریق بادگیرها به محیط خانه وارد می‌شد، حوضچه‌های کوچکی قرار می‌دادند که هم هوا را خنک می‌کرد، و هم در گوشه و کنار آن، از مواد غذایی نگهداری می‌شد" (حقایق، ۱۳۹۰، ۱۳۴). همچنین در حوض‌ها، از حیواناتی چون ماهی و برخی مرغان آبی نگهداری می‌کردند. در خانه‌های مصر در قرن سوم، ساخت حوض علاوه بر حیاط در ایوان‌ها مرسوم بوده است. "در حمام‌ها، انواع حوض با نام‌های متعدد، وجود داشت. از جمله خزینه‌ها و چاله حوض که خزینه، آب سرد بزرگ و عمیقی بود که همانند استخر امروزی، برای شنا و آب تزی از آن استفاده می‌شد. نمونه‌هایی از آن در حمام فین کاشان موجود است.

بوده است". "در فرهنگ ما، آب مهریه حضرت زهرا (س) است و نباید آن را از کسی دریغ کرد (هدایت، ۱۳۵۶، ۶۶). "در بسیاری از مجموعه‌های شعر شاعران، این سرزمین نیز بارها به این مهم پرداخته شده است.

ای کبود ارغوان‌ها دیده‌ات

آب‌های آسمان مهریه‌ات (عزیزی، ۱۳۹۰، ۵۵۹)

در صحرای کربلا نیز شهادت حضرت ابوالفضل عباس، به واسطه رساندن آب به تشنگان بوده است؛ چنانکه علی موسوی گرمارودی در شعر خود و در تفسیری ذوقی از مقام ایشان، آب را تابع وی می‌داند:

در حسرت آن کفی که برداشت

از آب و فرو فکند و بگذاشت

هر موج به یاد آن کف و چنگ

کوبد سر خویش را به هر سنگ

کف بر لب رود و در تکاپوست

هر آب رونده در پی اوست (موسوی گرمارودی، ۱۳۹۵)

در اسلام، آب مایه آفرینش است.^{۱۷} همچنین از رسول مکرّم اسلام (ص) نقل شده است که فرمود: *المُسْلِمُونَ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثَ: فِي الْمَاءِ وَ الْكَلَاءِ وَ النَّارِ* (مسلمانان در سه چیز شریک‌اند: آب، مرتع، آتش (مواد سوختی)).^{۱۸}

"آب را به حکم شرع، جز در موارد خاص، نمی‌توان خرید و فروش کرد و فقط مجرای آب و حق استفاده از آن قابل فروش است. منشاء این حکم روایتی است از رسول الله (ص) که در آن نقل شده است "الخص رسول الله عن بيع الماء...". صاحب چشمه و یا کاریز و چاه و نهر نمی‌تواند در دادن آب به مسافر و یا گله ابا ورزد. اما کسی هم نمی‌تواند بدون اجازه قبلی او، آن را به مصرف برساند" (پارسا، ۱۳۹۴، ۴۰).^{۱۹}

در قرآن مجید، خداوند، آب جاری را به مانند حق و کف روی آن را به باطل متمثل می‌سازد. این آب است که در زمین فرو می‌رود و کف آن بر جای می‌ماند. به عبارتی مردم از ظواهر دنیا (کف‌ها) آگاهند و تنها آن را می‌بینند در حالی که حقیقت را (که همان بعد پنهان امور است)، کشف نمی‌کنند. یکی از اعمالی که در فرهنگ حسن بهره‌وری از آب همیشه مذموم بوده، اسراف و آلوده سازی آن است. آلوده کردن آب، همواره نکوهیده بوده است.^{۲۰} چه رسد به این که بدانیم آب؛ مهریه حضرت فاطمه زهرا (س) است. "چشمه‌ای است در ظلمات... و سلطان سکندر به طلب آن در ظلمات رفت و خضر و الیاس که پیش او بودند در آن چشمه رسیده آب بخوردند و باز خدای تعالی چشمه‌ها را از چشم ایشان مخفی گردانید و اسکندر از آن بی‌نصیب و نامید بازگشت". نوشیدن این آب به واسطه چشمه‌ای است و هر که خواهان به فیض رسیدن از این آب است، باید در چشمه آن غوطه خورد و یا از آن بنوشد (مقدم، ۱۳۸۰، ۲۵).

با جست و جو در نگارگری ایران و همچنین بررسی عناصر مقدس، در میان آنها درمی‌یابیم که مجموعه‌ای از عناصر مقدس طبیعی در نگارگری‌های ایران گرد هم می‌آیند که از آن جمله می‌توان به آب و سرو اشاره کرد. تناوری و تعالی، از ارکان ارزشی

آشکارسازی امور پایدار و ناپایدار و شوق افزایی انسان به امور پایدار و جدا شدن از امور ناپایدار است. زندگی دنیا، محدود و آخرت نامتناهی است. لذا یکی از مفاهیمی که پیوسته در متون دینی بر آن تأکید شده، برحذر داشتن انسان از تعلق به دنیا است. حضرت علی علیه السلام همواره بر این نکته تأکید می‌ورزید که ای انسان، به آنچه اندک است و زوال پذیر رغبت مکن؛ بدان که دنیا برای تو نمی‌ماند و تو هم برای دنیا نمی‌مانی^{۱۸}. "همه‌ی میل‌ها و رغبت‌های فطری، شاخه‌ها و فروعی از حب ذات هستند. هر موجود ذی‌شعوری، چون خودش را دوست می‌دارد، بقای خود را دوست می‌دارد و آنچه موجب نفرت انسان است، فنا و نقص وجود است" (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۲۵۴). پس "طبیعی‌ترین اثری که بر حب ذات مترتب می‌شود، حب بقاست و هراسانی بالطبع، این گزینه را دارد" (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۳۳).

یکی از گرایش‌های وجودی انسان، میل به جاودانگی است. اسلام، وجود این میل فطری را در انسان می‌پذیرد و آموزه‌هایی را برای تربیت وی و تعیین مصداق حقیقی آن بیان می‌دارد. از نظر قرآن، شیطان از مسیر همین میل حضرت آدم، به وسوسه‌ی او پرداخت^{۱۹}.

آب‌های راکد به طور طبیعی، انعکاس‌دهنده‌ی تصاویر بوده و به همین دلیل، عامل تعیین‌کننده‌ی ترکیب‌های خلاق و نمادین بصری هستند. تصویر بناها در آب، موجب احساس بسط فضا می‌شود. آب‌های راکد، ژرفای آسمان بی‌کران را در روی زمین تکرار می‌کنند و نماد آسمان بر روی زمین هستند و این خود به پیوستگی و پویایی بصری در ذهن بیننده کمک می‌کند. آب‌های راکد همواره مجالی برای تعمق آرام بیننده به نسبت میان خود و طبیعت است. آن زمان که تصویر بناها در آب راکد انبوه مجاور آن می‌افتد، بیننده در ابتدا با انعکاس تصویر بنا روبرو می‌شود؛ اما چون به دیده جان در آن آب می‌نگرد، همه چیز را لرزان و لغزان می‌بیند. گویی بی‌قراری امری محتوم در سرشت ناپایدار عالم متعارف است. اگر از منظر عارفان به تصاویر لرزان منعکس در حوض بنگریم، بناهای صلب و سترم مجاور را - به رغم ایستادگی و قامت افراشته - لرزان می‌بینیم و اگر در آن مدافه کنیم، به اقوال عارفان می‌رسیم. وجود مجازی، اضافی و ظلی جهان، پاره وسیعی را در مباحث نظری اندیشه عرفانی به خود اختصاص داده است. عارفان، تنها حضرت حق را وجود حقیقی قائم به ذات می‌دانند؛ زیرا عالم همواره در حال شدن است. عالم، همیشه در تغییر، حرکت، انتقال و دگرگونی است. جالب توجه این که، ماهیت خیال هم عبارت از تبدل در هر حالی و ظهور در هر صورتی است. اشیا و موجودات و امروز و فردا، جملگی در انجمن خیال او صورت وجودی می‌یابند. حوض گویی ما را متذکر می‌شود که ما میهمانان خیال، فریب هستی بی‌اعتبار خود را خورده‌ایم. حیات ممکنات چون ماهی درون حوض، پراز طپش و حرکت است اما محدود به همان حوض. هیچکس بیرون از فنا نیست و نمی‌تواند پای از این دایره بیرون بدهد و وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^{۲۰}.

دستک‌ها، حوضچه‌های کوچکی در گرمخانه‌های خصوصی بودند و معمولاً حجم آنها کمتر از گرن بود" (همان، ۱۳۵). اندازه حوض‌ها متفاوت است؛ اما آنچه مسلم است، اغنیاء و روستاییان کم درآمد - همه و همه برحسب فرهنگ خود - خویشتن را ملزم به داشتن حوض می‌دانستند. غالباً حوض را در یکی از محوره‌های اصلی فضای خانه ایجاد می‌کردند به طوری که طول حوض در امتداد طول فضای منزل یا باغ قرار بگیرد. برای وقتی که حوض پراز آب شود و مقداری از آن طبق اصل جاذبه زمین به بیرون سرزیر شود، در ساختمان آن، شیب مختصری می‌دادند. "در باغ‌های ایرانی، برای حوض کمتر شکل آزاد دیده شده است بلکه شکل‌هایی بر اساس راست گوشه و دایره، اکثریت دارد" (ویلبر، ۱۳۴۸، ۴۸). از علائم مشخص و برجسته دوران صفویه در اصفهان، احداث حوض‌های پاشویه دار است؛ بعضی از آنها دارای چهار پاشویه بوده است که هر یک را زیر دیگری تعبیه می‌کردند. فواره‌های آب را در حوض‌های داخل و خارج از خانه احداث می‌کردند. آب این قبیل فواره‌ها به وسیله‌ی یک لوله سربی تأمین می‌شد. سیاحی که از باغی در شیراز دیدن کرده است، روزگاری در یادداشت‌های خود می‌نویسد: هنگام بازدید از باغ مزبور، میزبان وی شائق بوده که از آب‌های جهنده، طرح‌هایی به وجود آورد. بعضی مواقع یک سیب سرخ را در میان آبی که از فواره بیرون می‌جهید، قرار می‌دادند که این سیب همواره در دهان فواره بالا و پایین می‌رفت (خسروی، ۱۳۷۸، ۱۱۷).

در عالی قاپوی اصفهان، فواره‌ای در یک ایوان بدون سقفی در طبقه چهارم تعبیه کرده بودند که "طبق تقریرات یکی از سیاحان، آب آن به وسیله یک گاو بالا میرفته است" (همان). تناسب نما و حوض یا استخر در باغ‌های مختلف ایرانی، با هم تفاوت دارد؛ مثلاً اگر جلوی کوشک استخر بود، آن را معمولاً به اندازه‌ای می‌ساختند که محور طراحی در اطراف آن برای نشستن باقی می‌ماند. حوضخانه‌ها را معمولاً هشت و نیم هشت می‌ساختند (خسروی، ۱۳۷۸، ۱۱۷). در زیر بادگیر دولت آباد یزد - که خود بادگیر به صورت هشت و جهی است - حوض طوری قرار داشته که هشت ضلعی و اطراف آن، فضایی برای نشستن و لذت بردن از آب بوده است.

بیشتر محققان عقیده دارند که "معماران ایرانی، در طرح باغ و خانه ایرانی، یک حوض آب نما در جلوی ایوان‌های کوشک یا بنای اصلی احداث کردند، که البته جدای از حوض مرکزی حیاط و در میان درختان بود. بعضی بر این باورند که این حوض، کارکرد آب نما داشته به طوری که با آبی راکد، آینه‌ای برای نمایش تصاویری از نمای اصلی ایوان به ناظرین در معماری ایرانی بوده است" (میرزا کوچک خوشنویس، ۱۳۹۰، ۷).

ناپایداری

در آموزه‌های اسلامی، تأکید خاصی به آخرت‌ورزی و پایداری آن شده است^{۱۷}. یکی از دلایل این مهم، بیکران خواهی انسان و ناپایداری دنیا است. از این روی، یکی از رسالات دین،

نتیجه

و معماری دینی، دارای ذات نمادگرایانه باشد. اندیشه‌ی نمادگرا، اندیشه‌ی ظاهرین نیست. نماد، ابزاری است برای ابراز شیوه‌ای است که انسان به کمک آن، درونمایه‌ی پرتکاپوی خیال، اندیشه و شهود خود را به صورت هنرمی‌آفریند. اگرچه نمادگرایی به خودی خود هنرآفرین نیست. آنچه مهم است، جهت انسانی نماد (تمثیل) است. تصاویر ناپایداری که از طبیعت و بنا در آب حوض منعکس می‌شود، در نگاه انسان موحد، شأنی استذکاری می‌یابد؛ و آن نیست جز اشارت به گذرا بودن این جهان و اندیشیدن به میرا بودن همه چیز غیر از ذات باریتعالی. ذاتی که تغییر نمی‌پذیرد، نمرده و نخواهد مرد. این تصاویر لغزان منعکس در حوض - به شرط تأمل و تدبرناظر-، بستری برای بازگشت به خود - و دل نبستن به ناپایداری -، است.

معنویت، در گستره‌ی هنر و معماری ایران دوران اسلامی، امری همیشه حاضر و راهبر وجود خلاقه هنرمندان و معماران بوده است. حوض - به رغم کاربری‌های مختلف - شأنی نمادین نیز دارد. نمادگرایی، جزو ذاتی اندیشه انسان است و او هرگز از آن جدایی نداشته است. نمادها، محملی هستند تا وجه پایدار و اعیان ثابت جهان محسوس با پدیدارها ملاقات کنند. اصلاً بشر به طور فطری، طالب عبور از ظاهر به باطن است. به بیانی دیگر، وی پیوسته می‌خواهد تا از معلول به سوی علت برود؛ و این هرگز در نگاه و نظر انسان توقف‌پذیر نیست. انسان همواره مسافر جاده‌های علت است. این پیگیری بواطن، اگر متوقف نشود، انسان را به علت اصلی می‌رساند؛ یعنی همه‌ی پدیده‌ها را دارای یک علت واحد می‌یابد؛ و این، همان نگاه دینی است. بنابراین طبیعی می‌نماید که هنر

پی‌نوشت‌ها

تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، صفحات ۲۸۰-۳۸۲.
۱۶ فیهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (سوره الرحمن / ۵۰). فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (سوره الرحمن / ۶۶). هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجْرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (سوره نحل / ۱۰). أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُمْكِنْ لَكُمْ وَأَنْزَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (سوره انعام / ۶). وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَنْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّا كُنتُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (سوره هود / ۷). وَيَوْمَ نَسْفَقُ السَّمَاءَ بِالْغَمَامِ وَنُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ تَنْزِيلًا (سوره فرقان / ۲۵).
۱۷ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (سوره اسراء / ۱۹). الَّذِينَ يَسْتَجِيبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (سوره ابراهيم / ۳)
۱۸ قَالَ عَلِيٌّ (ع): لَيْكُنْ زُهْدُكَ فِيمَا يَنْفَدُ وَيَزُولُ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى لَكَ وَلَا تَبْقَى لَهُ (آمدی، عبدالواحد بن محمد، غر الحکم و درر الکلم، مصحح: مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ج ۱، ص ۵۴۹).
۱۹ فَوْشَوْسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى (سوره طه / ۱۲۰). فَوْشَوْسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَائِكِينَ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (سوره اعراف / ۲۰).
۲۰ و با خدا معبودی دیگر مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز نابودشونده است. فرمان از آن اوست و به سوی او بازگردانیده می‌شوید (سوره قصص / ۸۸).

فهرست منابع

ابن الرسول، سید محمد رضا (۱۳۸۷)، مناظره سرو و آب، نشریه آینه میراث، شماره ۴۱، صص ۳۲۳-۲۸۵.
افشار، ایرج (۱۳۸۰)، دفتر تاریخ، بنیاد موقوفات دکتر ایرج افشار، تهران.
افضل الملك، غلامحسین خان (۱۳۶۲)، سفرنامه خراسان و کرمان، به اهتمام قدرت الله روشنی (زعفرانلو)، انتشارات توس، تهران.
اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷)، مرآة البلدان، به کوشش

۱ تَلَكُ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (اینها احکام الهی است و هر کس از خدا و پیامبر او اطاعت کند، وی را به باغ‌هایی درآورد که از زیر درختان آن نهرها روان است در آن جاودانه‌اند و این همان کامیابی بزرگ است (سوره نسا/۱۱۳)).
2 Jean Chardin (1643-1713).
3 Jean-Baptiste Tavernier (1605-1689).
۴ جَبَلُ الرَّحْمَةِ نام کوه کوچکی در سرزمین عرفات در نزدیکی مکه است که به سبب دعای اهل بیت در دامنه آن، به ویژه دعای امام حسین (ع) در روز عرفه مشهور شده است.
۵ ر.ک. پورامینی، محمد امین؛ نگرشی بر عرفات، نشریه میقات حج، ۱۳۷۴، شماره ۱۲
6 Lord George Nathaniel Curzon.
۷ ر.ک. مقاله جایگاه آب در امثال وحکم، نوشته محمد صادق فرید، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز (گروه مردم شناسی).
۸ پیروان کیش مهر بر این باور بودند که مادر مهر، در آب، از زرتشت بارور شده است لذا غنچه‌های نیلوفر در اینجا جایگاه خاصی دارد.
۹ ر.ک. ویلیبر، دونالد نیوتن؛ باغ‌های ایران و کوشک‌های آن، ترجمه مهین دخت صبا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۹۰.
۱۰ ر.ک. شاملو، احمد؛ کتاب کوچه، تهران، انتشارات مازیار.
۱۱ در بالای سقاخانه‌هایی که به یاد عطش ابی عبدالله الحسین (ع) آب می‌نوشیدند، این شعر محتشم کاشانی را نوشته بودند:
از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا
۱۲ أُولَئِكَ يَرَوْنَ اللَّهَ كَمَا رَأَوْا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (آیا کسانی که کفرورزیدند ندانستند که آسمان‌ها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند؟) سوره انبیاء آیه ۳۰.
۱۳ ر.ک. حرعاملی، محمد بن حسن؛ ترجمه وسائل الشیعه، مترجم علی صحت، تهران: ناس
۱۴ ر.ک. بحرالوفائید فی شرح الفوائد / میرزا محمد حسن الأشتیانی (۱۳۸۷)، قم، انتشارات ذوی القربی، صفحات ۱۵۹ و ۱۸.
۱۵ لمپتون، آن (۱۳۴۵)، مالک زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری،

- عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، دانشگاه تهران، تهران.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۶)، روح هنر اسلامی، ترجمه حسین نصر، از کتاب مبانی هنر معنوی، حوزه هنری، تهران.
- پارسا، زینب (۱۳۹۲)، بررسی نقوش نمادین آب در نگارگری ایرانی اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۳)، باغ‌های ایرانی، تدوین فرهاد ابوضیاء، مجله آبادی، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۹-۴.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۴)، آشنایی با معماری اسلامی، سروش دانش، تهران.
- جهانگیر گورکانی، نورالدین محمد (۱۳۵۹)، جهانگیر نامه، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- حراملی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، ترجمه وسائل الشیعه، مترجم علی صحت، ناس، تهران.
- حقایق، مریم (۱۳۹۰)، اقامتگاه توریستی فرهنگی؛ هم‌نشینی انسان و آب، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی
- خسروی، محمد باقر (۱۳۷۸)، آب در فرهنگ، هنر و معماری ایرانی، نشریه هنر، شماره ۴۲، صص ۱۲۰-۱۱۲.
- خوانساری، مهدی و دیگران (۱۳۸۳)، باغ ایرانی بازتابی از بهشت، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- سدید السلطنه، محمد علی (۱۳۶۲)، سفرنامه، به نشر، تهران.
- شهیدی مازندرانی، حسین (۱۳۸۳)، سرگذشت تهران، انتشارات دنیا، راه مانا، تهران.
- رفعت پاشا، ابراهیم (بی تا)، مرآة الحرمین، جلد اول، بی تا، بی جا.
- روحانی، غزاله (۱۳۶۵)، طراحی باغ و احداث فضای سبز، ترجمه هادی انصاری، انتشارات پارت، تهران.
- زمانی، حبیب، رودگر، قنبر علی (۱۳۹۴)، تجارت خارجی ماوراء النهر در دوره سامانیان، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۶، صص ۱۰۲-۷۶.
- سامانیان، صمد و دیگران (۱۳۹۱)، نماد و اسطوره‌های مرتبط با آب و نور در هنر ایران قرون اولیه اسلامی، نشریه دستاورد، سال ۲۲، شماره ۳۲، صص ۳۷-۴۷.
- طوسی، محمد بن محمود (۱۳۸۲)، عجایب المخلوقات وغرایب الموجودات، به اهتمام منوچهر ستوده، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- عزیزی، احمد (۱۳۹۰)، کفش‌های مکاشفه، موسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی الهدی، تهران.
- انتشاراتی الهدی، تهران.
- علی بن ابیطالب (ع)، گردآورنده آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم ج ۱، مصحح: مهدی رجایی، انتشارات دارالکتاب الاسلامی، قم.
- عینی، وفا (۱۳۹۱)، بررسی مردم شناختی معماری سنتی در ارتباط با معماری نوین (بررسی موردی منطقه یازده تهران)، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۶۷)، ایران و قضیه ایران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- گلپارانی، بهزاد (۱۳۸۹)، مدخلی بر رمزشناسی هندسی حوضچه‌های ایرانی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۸، صص ۱۰۰.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳)، آموزش فلسفه ج ۲، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
- مصطفوی، محمد (۱۳۷۵)، اقلیم پارس، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- معمارزاده، روح الله (۱۳۸۹)، تاثیر شکل حوض بر کیفیت آب حوض در معماری سنتی ایران، نشریه معمار، شماره ۶۰، صص ۱۲۲.
- مقدم، محمد (۱۳۸۰)، درباره مهر و ناهید، انتشارات هیرمند، تهران.
- منصوری، امیر (۱۳۸۸)، معماری آب، نشریه منظر، شماره اول، صص ۳-۱.
- مور، چارلز (۱۳۸۱)، آب در معماری، ترجمه هدی علم الهدی، میراث فرهنگی، تهران.
- موسوی گرماردی، علی (۱۳۹۵/۷/۱۹)، ساقی‌نامه، روزنامه اطلاعات.
- میرزا کوچک خوشنویس، احمد (۱۳۹۰)، منظره نمادین باغ ایرانی؛ نقش آب نمای مقابل کوشک باتکیه بر باورهای مهرپرستی، فصلنامه منظر، دوره: ۳، شماره ۱۵، صص ۱۱-۶.
- نوعی، غلامحسین و ساجع، لیلا (۱۳۸۸)، آب، عامل اساسی در شکل‌گیری تمدن‌ها باتأکید بر تمدن بین‌النهرین، مصر، هند و چین، خلاصه مقالات.
- ویلبور، دونالد (۱۳۴۸)، باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن، ترجمه مهین دخت صبا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- همایش ملی و میان‌رشته‌ای آب و ارزش‌های فرهنگی آن، دانشگاه فردوسی مشهد، ۹ و ۱۰ آبان.
- هدایت، صادق (۱۳۵۶)، نیزنگستان، انتشارات جاویدان، تهران.